

بازتاب خلیج فارس در شعر شاعران هرمزگان

زهرا زارعی حاجی آبادی^۱

چکیده

کنار خلیج فارس و تأثیر هم‌زیستی با این مولفه مهم بومی را در خلال اشعار آنها میتوان یافت. شاعران، احساسات ملی خود را که ریشه در آرمانهای مشترک و اندیشه ملی‌گرایی آنها دارد، با غروری شکوهمند و با رویکردهای مختلف تاریخی، اجتماعی، سیاسی ملی، عاشقانه و پایداری سروده‌اند. در نوشتار حاضر به بررسی بازتاب خلیج فارس در شعر شاعران هرمزگان پرداخته میشود.

۱. وطن دوستی

عشق به سرزمین را میتوان در شعر بسیاری از شاعران دید و لمس کرد. در سروده‌های شاعران هرمزگان نیز حس وطن دوستی به زیبایی متبلور شده است:

با تو بد کردند و بد دیدند از این رفتارها / بین من با تو مبادا هرگز این دیوارها / در کمین آب و خاکت زوزه گرگ و شغال / در کنار مرزهای محکمت گفتارها / با تو باید مثل من ناموس من رفتار کرد / ولوله افتاده در من نازنینم بارها / دلبر بالا بلند تو دماوند و سهند / کرده است از عفت تو دشمنت اقرارها / شعر من را مرهمی کن بر تمام زخمهات / ای که قلبت تکه تکه مخزن الاسرارها / قلب من هم بوده بی شک سالها هم بسترت / دلبریها توأمان با غارت تاتارها / تنگه یعنی اینکه من را تنگ آغوش بگیر / تا نبینم بی تو از نامردمان آزارها / مهربانم، سرزمینم با خودت رو راست باش / آستین تو پر است از مورها و مارها / هر وجب از خاک پاکت قسمتی از جان ماست / تا که چشم دشمنانت پر شود از خارها / آرزو دارم ببینم در مسیر روزگار / گردن خیره سرانت بر قرار دارها (حدیث رحیمی، زیر چاپ).

از آنجا که خلیج فارس در طول تاریخ، بنا به ویژگی سیاسی، جغرافیایی و استراتژیکی خود دستخوش حوادث فراوانی بوده، نگاه شاعران هرمزگان از این مولفه مهم بومی ملی دور نمانده است و بازتاب گسترده‌ی در اشعار آنها با زمینه‌های مختلفی مانند حس وطن دوستی، عزت و شکوه خلیج فارس، دفاع از مرز و بوم، غرور ملی در حفظ میهن و مبارزه علیه استبداد و استعمار، اعتراض و انتقاد، اشاره به اماکن و شخصیت‌های تاریخی، دفاع مقدس، احساس عاشقانه و مسائل اجتماعی داشته است. هدف نوشتار حاضر، بررسی بازتاب خلیج فارس بعنوان بخشی از میراث ملی میهن عزیزمان ایران در شعر شاعران هرمزگان است.

کلیدواژگان

خلیج فارس؛ شاعران هرمزگان؛ بازتاب ملی؛ مؤلفه‌های بومی- ملی

مقدمه

همواره در خطه جنوب، زنان و مردان صاحب قلم بوده‌اند که سرچشمه زلال اندیشه، افکار، تجربیات و احساساتشان ذهن را متلاطم میکند. خلیج همیشه فارس، بعنوان نماد غرور ملی برای ایرانیان، همواره پیشینه درخشان ملی، فرهنگی، وطن دوستی و تاریخی کشورمان بوده و واژه‌ی فراتر از معنای قاموسی آن شمرده میشود. زندگی شاعران در

عمیق و بی‌پیرایه، با بهره‌گیری از صناعات ادبی و توصیفی زیبا، فضایی کاملاً ملموس آفریده، که بدون تردید در دل خواننده مینشیند:

حواسم / پرت چشمهای توست / زنگ جغرافی / به نخلها سپرده‌ام / بایستند / روی همین نقشه / کنار تو / که تنگه را تنگ بغل گرفته‌یی / حواسم / پرت چشمهای موسی... / خواجه عطاء بوی میگو گرفته / دستهای مادرش بوی سوراغ / لنج‌ها که خواب میروند / تور پدرش / گارم زنگی را عروس... / مرور میکنم / چشمهای آبی‌ات را / بدم می‌آید / از تمام نقشه‌های سر به هوا / که به تو فکر میکنند / نه / چشمهای موسی (اسپید، ۱۳۹۰: ۷۱).

«شاعری که نگرش خلاق و فردی دارد، درونمایه مسلط و منسجمی بر آثارش سایه می‌افکند، نوعی وحدت نگاه در کلیه تصویرها و ساختارهایش دیده میشود که میتوان آنها را خوشه‌هایی از یک تصویر بزرگ بحساب آورد» (فتوحی رود معجنی، ۱۳۸۵: ۷۷).

بوموسی (ابوموسی) جنوبی‌ترین جزیره ایرانی آبهای خلیج فارس است. این جزیره در ۲۲۲ کیلومتری بندرعباس قرار دارد.

تنگه هرمز، آبراهی است بین استان هرمزگان ایران و استان مسندم عمان که دریای عمان را به خلیج فارس متصل میکند. این گذرگاه یکی از راهبردی‌ترین مسیرهای بین‌المللی کشتیرانی در جهان بشمار می‌آید.

خواجه عطاء، یکی از محلات قدیمی بندرعباس در حاشیه ساحل است.

سوراغ، نام محصولی در هرمزگان است که از نوعی ماهی، نمک، پوست نارنج، گل سرخ تهیه میشود.

گارم زنگی، نوعی درخت گرمسیری است که جنبه زینتی و خوراکی دارد.

۲. عزت و شکوه خلیج فارس

شاعران، جلوه‌های عشق و ارادت خود به آب و خاک ایران اسلامی را در کلام متجلی می‌سازند. انعکاس مسئله مهمی چون عزت و شکوه خلیج همیشه فارس، نشان‌دهنده غیرت و درک عمیق سخن‌سرایان ادب از رسالت خویش است:

شبهه رخت عروسی که میشود کفنم / تو گاهواره و گوری برای من وطنم / شعار نیست که شعر من است گوش کنی / مرا که اینگی میتراود از سخنم / نفس نفس همه آرامش ز طوفانهاست / جزیره‌یی که قیاسش اگر کنی منم / سکوت گاه صدا را به سخره میگیرد / چه هم صدایی خوبی‌ست بی‌صدا شدنم / به پای شب اگر از جنس آسمان باشد / چراغ وسوسه را بی‌درنگ میشکنم / به صفرهای هزار آفرین به عشق به رنج که من سروده‌یی از ناسروده‌های زخم (aminedaryanavard.blogfa.com).

شاعر در این شعر فضای مناسبی را با گزینش واژگان «رخت عروسی، کفن، وطن، گاهواره، گور، اینگی، سخن، آرامش، طوفان، صفرهای هزار آفرین، ناسروده‌های زن» در پاسداشت میهن ایجاد کرده است. آهنگ و کلمات بنوعی با هم آمیخته شده‌اند، به طوری که صدای زنانه از دل شعر با غرور طنین‌انداز است و این ویژگی به شعر، هویت ملی بخشیده است.

در شعر زیر حضور عناصر عاشقانه «عاشق، مرد خاطر خواه، سینه، عشقی کهنه» خود را بدست عناصر بومی «لنج و غراب، لنگرگاه، بندر» می‌سپارند، تا تصاویری گویا و قابل لمس از شعر خلیج فارس را نمایان سازند:

روی دوشت میبری لنج و غراب و ماه را

سبز آبی بی‌گمان تو میشناسی راه را

لای آغوشت گرفتی خوب میرقصانی‌اش

باد این عاشق‌ترین این مرد خاطر خواه را

نصف شبها گاه وقتی با صدای خنده‌ها

سرخوشانه میپیرانی خواب لنگرگاه را

رقص تو با باد بندر را روانی میکند

میکشی از سینه‌اش بیرون پیایی آه را

میشود از چشم تو رد پریها را گرفت

رد عشقی کهنه و افسانه‌یی جانکاه را

خوش به حال شاعری که روزی‌اش را میبرد

از نگاهت باز شعری دلکش و کوتاه را

(golabrisham.blogfa.com)

در شعر «چشمهای موسی» بسیاری از فضاهای بومی اقلیمی مجسم میشود که با تبحری شاعرانه و وطن‌پرستی

ابزاری بسیار کارآمد و مستمر در خصوص انعکاس تلاشهای مبارزه جویانه در جهت استقلال فکری، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی نگریسته‌اند» (برتنس، ۱۳۸۷: ۲۲۴). شعر زیر نمونه قابل قبولی برای این شاخصه است:

بی حرمتی آتش شده و سوخته جان را / پس موج شو آب
بزن آتشان را / باید که بر آشوبی و آرام‌نگیری / تا مدعیان تو
ببندند دهان را / تو شاه‌رگ عالمی و دشمن خونیت / شمشیر
کشیده‌ست تا جان جهان را / انگار خداوند نهاده به تساوی /
در سینۀ تو سهم سکون و هیجان را / بر دوش کشیدی
وطنت را همه عمر / هرگز نسپردی به کس این بار گران را
(http://t.me/fahimeh nazary).

احساسات برآمده در شعر زیر نیز استعمارستیزی و قداست

آب و خاک میهن عزیزمان را نمایان میکند:

یک جزیره‌نشین حرفه‌یی‌ام / فقط حرف نمیزنم / روی
تنب آن قدر بزرگ میشوم / تا هیولا کوچک و بیصدا بیفتد
به دریا / جزیره کوچک و بزرگ میشود / پرچم را به رقص
درآورده‌ام / حتی آن قدر میخندم / که این دشداشه پوش
قد بلند / بلند بلند بیفتد به اعتراض و خاک او را پس بزند /
یک جزیره‌نشین حرفه‌یی / حروف میهنش را به خط میکند /
یک، دو سومین دفعه است / هیچ دلار شماری حقی به گردنم
ندارد / اینجا حقوق چشمهای من است / پاهای خطا را در
تابوت دریا دفن خواهم کرد (سهوزاده، ۱۳۹۲: ۹).

این نمکدان بزرگ / به تعفن زخمی کوچک هم توجه دارد /
به جاشو / و قایق وارونه‌اش / که خانه‌یی است برای عروسک
دریا / دلتنگیهای خلیج را بشور / بغض تب کرده‌یی / سالهاست
با ادعای عربی‌اش / تهمت خود را آویزان کرده است / خلیج /
دیگر عرضی نیست / فقط نگاه آریایی‌ات را تیز کن / نهنگهای
بیگانه / رفاصه‌های مرموزی هستند (همان: ۱۳).

یک برقع

صورت ماه را پوشانده است

موسی

دوباره عصا به دریا بزن

معجزه آبی‌ام را نبرند (همان: ۱۶).

خلیج دست به دهان

مرتب انگشتهای خود را میچود

تو اشک چشم همه دختران دریایی؟! / تو شاعرانه‌ترین
عصرهای رویایی / چقدر نفتکش و لنج وقایق و کشتی... /
چقدر از همگی، کرده‌یی، پذیرایی / عجیب نیست اگر امتنان
دیروزی / عجیب نیست اگر افتخار فردایی / به قصد غارت
تو آمدند و غرق شدند / چه عاجزانه همه دزدهای دریایی! /
به احترام تو بود و حروف نام تو بود / که یاد داد معلم اگر
الفبایی! / چه ساده‌اند گروهی که باز مینازند / به دلخوشی
غلط واژه‌های املائی... / بمان به عرصۀ تاریخ و حکمرانی
کن / که شاهراه همه، آبهای دنیایی... / برای آن که بلعند،
دشمنانت را / به موجهای مکرر نهنگ میزایی...!! / به کور
چشمی بد خواه، باز هم بدرخش / که زیر نقشۀ ایران، شبیه
امضایی (مهدی حسینی، ۱۳۹۱: ۵۳).

۳. دفاع از مرز و بوم

در شعر زیر شاعر با استفاده از عناصر شطرنج «سرباز،
اسب، وزیر، کیش، مات و قلعه» پیوند و تناسب بین واژه‌ها را
به زیبایی برقرار کرده و تصویر زیبای دفاع از مرز و بوم را به
نمایش گذاشته است:

دارم به سبک ایرانی بازی میکنم / سربازها جلو / سربازها
به مرز آبی احترام میگذارند / حتی حضور مسالمت‌آمیز
یک دشداشه پوش / مطابق جهانی‌شدن / اسبهایمان ال
میدوند / اینک دستور پارسی / وزیر باید خوب دفاع کند /
کودکانه‌هایمان روی تنب قد بکشند / بد بکشند / تصویر
ناموزونی که گربه راکیش میکند / هیس! / آهنگ آشنای
مارش نظامی است / تمبک و جفتی خود را برمیدارم / جاشو
با سرکنگهای متعدد / پشت قلعه دامادی منتظر / هرمز
عروس خلیجیت را... / مردمکهای قرمز شمردم را مات کرده
است (سهوزاده، ۱۳۹۲: ۱۱).

۴. غرور ملی در حفظ میهن و استعمارستیزی

تاریخ همیشه شاهد حضور استعماری کشورهای بیگانه
در منطقه خلیج فارس بوده است. از اینرو غرور ملی و
استعمارستیزی یکی از مؤلفه‌های مهم در شعر خلیج فارس
بشمار می‌آید. «از آنجایی که ادبیات همواره بعنوان یکی از
مهمترین نیروهای محرک برای به چالش کشیدن قدرت
بحساب می‌آمده است، منتقدین به این مؤلفه فرهنگی بعنوان

هوایی... / حلقه‌های دود روی موج‌شکنها جابجا شوند / این جزیره که مزرعه نیست / با یک خط فرضی دو نیمش کنی / برایش یک حصار چوبی فرض بگیری / مترسکی برای تنهائیش / و فکر شخم معدن گلک آرامت نگذارد / آقا! / اینجا یک جزیره متروکه در حاشیه یک متن کهنه است / سربازانی از حمام لطفعلی خان / سالهاست از معدن گلک کلمه استخراج میکنند / صبح روز بعد / کلمه‌ها / میافتند بر زبانها / جاشوان البته با کمی بیرحمی آنها را طعمه قلاب خود میگذارند / و دختران جزیره / به فکر قومی از این کلماتند / اینجا مزرعه نیست آقا! / باید از این جزیره دست بردارید / بگذارید کلمات / سر زبانها باشد (همان: ۲۱).

۶. اشاره به اماکن و شخصیت‌های تاریخی

اشاره به اماکن و شخصیت‌های تاریخی که یادآور حافظه و هویت ملی است، در شعر شاعران امری الزامی است. نام خلیج فارس، واقعیت تاریخی و هویت منطقه است که امکان انکار آن از سوی هیچ‌کس وجود ندارد. گاهی شاعر با آگاهی از حوادث گذشته، در تجلی ارزشها میکوشد و نقابی بر پیشینه تاریخی ملت خود میزند: اصلاً من کجای بندرم / که هرمزم را قطعه قطعه کردند / پدرم که معدن سرخ جزیره بود / و مادرم

آبستن از پرتغال / کلی رژ گونه زده‌ام / تا برنزه شوم / می‌خواهم آدم مهمی بشوم / مهماتم را در جیبم گذاشتم /

این کشنده‌ها چقدر قرمزند / دارند عروسی میگیرند در ساحل خواجه عطاء / دارد سیاه میزند لیوا /

من از باس... پاس میدارم بندرعباسم را... (بهزادی، ۱۳۹۳: ۶۵).

معدن سرخ (گلک)، واقع در جزیره هرمز است. در مسیر دریایی قشم به جزیره هرمز کوه‌هایی به رنگ زرد، سفید و قرمز دیده میشود. در میان این کوهها، کوه قرمز رنگی وجود دارد که مردم محلی این کوه را «گلک» مینامند و از خاک سرخ آن مانند نمک در تهیه انواع غذاها مصرف میکنند.

از ردیف نامنظم کوسه‌ها خبر آورده‌اند

بیاورند

عروس پارسیم

در آغوش داماد ایرانیاش آرام است (همان: ۱۵).

به هیچ زبانی دوبله نمیشویم

سینه پارس

دل‌های چرکی را نمیپذیرد (همان: ۱۶).

۵. اعتراض و انتقاد

بخش مهمی از شعر خلیج فارس انتقاد و اعتراض علیه بیگانگان در برابر عوامل سیاسی اقتصادی حاکم در خلیج فارس است:

۱. ۵. اعتراض به تغییر نام خلیج فارس

شاعر در اعتراض به توطئه‌های دشمن علیه وطن و جعل نام پرآوازه و ماندگار خلیج همیشه فارس، در دفاع از نام تاریخی آن که مسئله ملی و هویتی ایرانیهاست، دلسوزانه بیان میدارد:

از شعر خبری نیست / این کلمات قصد یک خودکشی دسته جمعی دارند / بی‌قاعده از صفحه خارج میشوند / بی‌هیچ فاعلاتن تن تن میشوند / تن در نمیدهند / مجبور میشوم آنها را دوباره به صفحه برگردانم / صفحه جای خوبی برای شماسست - / برای چه سر تعظیم فرود... / لابد جیره‌خوار

اجانب شده‌اید / رقمهای درشتی در حسابتان جابجا شده / قلم به مزدان جیره‌خوار در روزنامه‌هایشان برایتان مطلب نوشته‌اند / شبانه / رنگ آبی خلیج را / در دشداشه پیاده کرده‌اید / دور از چشم فانوسهای دریایی / اسمهای فراوانی را در نقشه وارونه کرده‌اید / کشتیهای فراوانی را سرگردان... / از شعر خبری نیست / این کلمات قصد خودکشی دسته جمعی دارند / از این صفحه میزنند بیرون / روی سطح شیب‌دار میز ایستاده‌اند / فکر یک خودکشی دسته جمعی راحتشان نمیگذارد (شهرجو، ۱۳۸۹: ۶).

۲. ۵. اعتراض به سلطه‌جویی بیگانگان

در شعر زیر شاعر اعتراض و هشدار خود را نسبت به تغییر نام خلیج فارس و استعمار طلبی بیگانگان را بیان میکند: پایت را از این ماجرا بکش بیرون / بگذار از این دالان

شیمیایی زده مردان جنوب کرده و با تکیه بر بن‌مایه‌های بومی، ارزشهای متعالی جامعه خود را (شهادی دفاع مقدس) به تصویر کشیده است:

چشمان تو بندری است / که بازار اوزیهایش آدم را عوض میکند / با آدمها شوخی ندارد / پا تو کفش بوتیکها هم میکند / از نخلهای بلوار ادکلن میخرد / تعارف میکند به سنگهای پیاده‌رو / بعضی وقتها هم میرود / به قلعه پرتغالیها / سری هم به معدن گلک میزند / باید بروم / گله کنم / از حمام گله‌داری / که این روزها آبهای کمی شور شده است / چشمان تو بندری است / که عباسش دارد کم کم کور میشود / باید بیایی / دستش را بگیری / از نخلها پایشش بیاوری / عباس هم پسر خوبی است / حتی اگر کور هم باشد (امینی دمشهری، ۱۳۹۳: ۲۷)

بازار اوزی، نام بازاری در بندرعباس است.

معدن گلک، نام معدنی با خاک سرخ در جزیره هرمز که پس از استخراج در موارد مختلفی مثل رنگ کردن و لوازم آرایشی مورد استفاده قرار میگیرد.
حمام گله‌داری، نام حمامی قدیمی در بندرعباس.

و کوله پشتیت / پشت کرده به تمام کلمات دنیا / با قطاری که پر از بنیاد شهید است / می‌آیی / دارد سیزده بدر می‌آید / و من... / زیر ابروی کلماتم را بر میدارم / تا میدان آزادی / تا پارک دولت بندرعباس / دریا را بر میدارم از کوله پشتیت / و همه سالگردهای بنیاد شهید / می‌خواهم سنگ قبری بسازم / که هیچ کلمه دنیا / نتواند روی آن گنجشک شود / میروی / بدون سیزده بدر / بدون کوله پشتات / که پر است از / رستم / آرش / حاج همت / شهر پر میشود / از گریه / پر از گنجشک (همانجا).

کاش خانه هاجر پشت موهای تو نبود / این بیمارستان شهید محمدی / پر از باران نمیشد عصرها / آفریقا موهایت را ادامه نمیداد / تا قشم چشمانم، تا بوموسی تنب بزرگ تنب کوچک / که مثل لبهای تو کوچک است / دریا هنوز آدم نشده است / از روی دریا جریمه می‌شوم / نقطه سر خط / شب... بود / ماه پشت موهایت بود (همانجا).

ریشه‌های حرا خشکانده نمیشوند / پرتغال را از لاشه‌ام بتکان / هرمزم / با قلعه‌هایی پیاده شاه عباس را / اسبهایی که تشنه تنگه را دور میزنند / اینک جاهلیتی قرآن به دوش / شتابناک سرگردان بوموسی‌یند / به تکرار حیلها بخند / اینجا اشتهای کوسه‌ها ناز است / و خلیج / جذر برادرهایی که با خواهر خود خواهند ماند (سهوزاده، ۱۳۹۲: ۱۲).

شاه عباس، به نبرد با پرتغالیها که خلیج فارس و جنوب ایران را تصرف کرده بودند پرداخت و توانست جزایر خلیج فارس را پس بگیرد.

قلعه پرتغالیها، قلعه اصلی فرماندهی پرتغالیها بوده که در حاشیه جزیره هرمز و در کنار آبهای خلیج فارس با موقعیتی استراتژیک ساخته شده است و از شاخصترین قلعه‌های جزایر جنوب ایران محسوب میشود.

جاهلیتی قرآن به دوش، منظور اعراب خلیج‌نشین هستند که احساس مالکیت میکنند.

آرام نمیگیرد / ماهیهایش / صدفهایش / نفتاش / کنج دلم میسوزد / پشت سر دریا چه پنهان است؟ / زیر سر موجها که بلند شده است؟ / چشم بی‌انداز ریسعلی از دل تاریخ بیرون می‌آید / امام قلی‌خان از مجسمه‌اش بلند میشود / بلند به دیریا برقع خو بزن / خوه و برارنت هوندن به تو اسفند بکنن (ابراهیم آرمات، زیر چاپ).
ریسعلی دلواری، از قهرمانان شهر دلوار بوشهر است، که در برابر متجاوزان انگلیسی ایستادگی کرد.

امام قلی‌خان، فرزند الهوردی خان از سرداران بزرگ صفوی بود که در سال ۱۶۲۲ م. بالشکرکشی به قشم و فتح قلعه پرتغالیها در این جزیره با بستن راه انتقال آب شیرین به جزیره هرمز که مقر اصلی پرتغالیها بود، باعث خروج آنان از خاک ایران شد.

۷. دفاع مقدس

وصف شهید اندر اشعار شاعران معاصر نمود فراوانی دارد. شاعر شعر خود را با احساس و عاطفه عمیق، تقدیم به چشمان

۸. رویکرد عاشقانه

خیال کن که جزیره که ما از آن توایم
که زر خرید، که تسخیر رایگان توایم
خیال نه که یقین میکن این کرامت محض
تمام تور- تو- ما نیز ماهیان توایم
(امینه دریانورد)، (حوزه هنری استان هرمزگان، ۱۳۸۷: ۵۵)،

و جغرافیای زنانهام
آشپزخانه‌یی است رو به خلیج
که هر روز سربازها به دریا میروند
در یک مایلی موهایم نخ می‌اندزدند
خطوط موازی چهره‌ام
خواب از سیاه لشکرهای چشمانت میگیرد
(فدوی، ۱۳۹۳: ۵۹).

شاعر با تکیه بر عناصر بومی اقلیمی «لنج، غریق، دریا، جزیره، اسکله، لنگر» توانسته تصاویری متناسب با محتوای عاشقانه و قافیه‌پردازی دقیق و منسجم، تصاویری زیبا بدست دهد.

گاهی شاعران تصاویر عینی از شهرها، طبیعت استان هرمزگان و سایر مؤلفه‌های بومی در شعر رونمایی میکنند: بندر از من پر که شد، ساحل پر از او میشود / دست دلفینهای بر ساحل زده، رو میشود / باد موهای مرا بر صورت او میزند / در میان بچه ماهیها، هیاهو میشود / عطر لنج ناخدهای «دبی چی» نیست این / با وجود او، خلیج فارس، خوشبو میشود / اسکله در چشم او فانوس روشن میکند / کشتی من در برش پهلو به پهلو میشود / حس باغ انبه میناب و نخلستان فین / در کنار صخره‌های ساحلی رو میشود / کودکی خوابیده است و قصه‌های هر شبش / خاطرات ساحل زیبای «سورو» میشود (اسماعیلی: ۱۳۹۱، ۵۷).

در غزل زیر شاعر با استفاده از مؤلفه‌های بومی اقلیمی خلیج فارس «ساحل، قشم، موج، جزیره، قایق، اسکله» حس عاشقانه خود را بیان میکند:
گر چه در ساحل خود شعر فراهم دارد / قشم طوفان زده
انگار تو را کم دارد / موجها در تاباند و تو را میخواهند /
چشمشان خیره که دستان تو مرهم دارد / و عجیب آنکه جزیره
به تو می‌اندیشد / او دلی نیز شبیه دل آدم دارد / او دلی مثل
تو و مثل همین ماهیها / بر خلاف تو ولی چهره در هم دارد /
کاش میشد که بیایی به طوافم آخر / اشکهایم چه کم از چشمه
زمزم دارد؟ / قایق و اسکله و ماهی و دریا جمعند / قشم غیر تو،
ببین هر بخواهم دارد (سولماز سبزی)، (دژگانی، ۱۳۹۳: ۶۰).

استفاده از ظرفیتهای فرهنگی- بومی در این غزل (از نوع جنوبی) و حس جاری در آن که برآمده از موقعیت اقلیمی سراینده است، زبان این شعر را زیبا و صمیمی جلوه میدهد. واژه‌های «بندر، ساحل، دلفین، ماهی، لنج، ناخدهای دبی چی (اهل دبی؛ چی در گویش هرمزگان، برای پسوند نسبت بکار میروند)، خلیج فارس، اسکله، فانوس، باغ انبه میناب (شهری در نود کیلومتری بندرعباس)، نخلستان فین، ساحل سورو (نام یکی از محله‌های قدیمی بندرعباس که ساحلش تقریباً بکر مانده است)» در یک عملکرد واحد و منسجم، ابزار اندیشه شاعر را بر عهده دارند.

برقص تا که برقص تمام من با تو / ببین به تجربه من
خسته میشوم یا تو / من و تو لنج به طوفان رسیده‌ایم برقص /
خیال کن که منم، من غریق و دریا تو / چه ناگهانی از این
اتفاق شیرین تر / مرا که راه نجاتی نمانده اما تو / دوباره آبی
و آرام میشوی فردا / و هم جزیره چه زیباست این که فردایی
تو / کنار اسکله لنگر گرفته باشی، من / بیرسمت که چه
کردی، چه کردی آیا تو / که من منی که به ساز زمانه رقص
نکرد / چه مضایقه رقصید با تو- تنها تو (امینه دریانورد)،
(ماهگیر، ۱۳۹۳: ۲۵۰)،

در غزل زیر شاعر، تصویر زندگی تکراری در جزیره را ترسیم میکند. «هر شاعر موفقی برای برکشیدن خویش، دستگیره یا دستگیره‌هایی دارد. یکی به تصویرگری می‌گراید و دیگری به هنرمندیهای زبانی و دیگری به طنز و دیگری به تلمیح و استفاده هنری از پشتوانه فرهنگی خویش و دیگری به آشنادایی و دیگری...» (کاظمی، ۱۳۹۰: ۱۶۵).

نه فقط باغچه، یک مزرعه دارم در آب / و در اندیشه که
جز خود چه بکارم در آب / شده‌ام چرخه‌یی از بارش و تبخیر،

منابع

- آرمت، ابراهیم؛ مجموعه اشعار، زیر چاپ.
- اسپید، زهرا؛ سردسته گل‌های وحشی، مشهد: انتشارات توس گستر، ۱۳۹۰.
- اسماعیلی، محبوبه؛ تو اتفاق نیفتاده‌یی، نمیفهمی، کرج: شانی، ۱۳۹۱.
- امینی دمشهری، غلام؛ تفنگ را از لغت‌نامه جهان بر خواهم داشت، شیراز: داستان‌سرا، ۱۳۹۳.
- برتنس، هانس؛ مبانی نظریه ادبی، ترجمه محمدرضا ابوالقاسمی، چاپ دوم، تهران: ماهی، ۱۳۸۷.
- بهزادی، بلقیس؛ جنوب با طعم لیوا، شیراز: انتشارات داستان‌سرا، ۱۳۹۳.
- حوزه هنری استان هرمزگان، ساده‌تر از صدا، انتشارات سوره مهر، ۱۳۸۷.
- دژگانی، فاطمه؛ زندگینامه شاعران و مشاهیر هرمزگان، قم: انتشارات اسماعیلیان، ۱۳۹۳.
- رحیمی، حدیث؛ مجموعه اشعار، زیر چاپ.
- سهوزاده، یعقوب؛ جزیره‌نشین حرفه‌یی، تهران: نشر امینان، ۱۳۹۲.
- شهرجو، یدالله؛ جزیره در حاشیه متن، شیراز: انتشارات داستان‌سرا، ۱۳۸۹.
- فدوی، کبری؛ دریا برای زن شدن کم است، شیراز: انتشارات داستان‌سرا، ۱۳۹۳.
- فتوحی رود معجنی، محمود؛ بلاغت تصویر، تهران: نشر سخن، ۱۳۸۵.
- کاظمی، محمدکاظم؛ روزنه، مشهد: انتشارات سپیده باوران، چاپ چهارم، ۱۳۹۰.
- ماهیگیر، علی؛ تاریخ ادبیات هرمزگان (دفتر اول)، قم: انتشارات دارالتفسیر، ۱۳۹۳.
- مهدی حسینی، هاجر؛ عکسی شبیه من خبر روزنامه‌هاست، تهران: انتشارات فصل پنجم، ۱۳۹۱.
- aminedaryanavard.blogfa.com
- golabrisham.blogfa.com
- <http://t.me/fahimehnazary>

همین / صبح برخیزم و شب باز بیارم در آب / حسرت گرفته خاکی به ضمیرم مانده است / بس که شستند به وسواس غبارم در آب / آب یعنی من و هر گمشده بی آمار / های از آن گاه که خود را بشمارم در آب / شوق همبالی مرغان مهاجر دارم / لاک پشتانه اگر زیست تبارم در آب / آسمان باز مرا سهم خودش خواهد دید / گر چه آماده‌ترین است مزارم در آب / «آب هستی است» و من هستم و حرفم اینکه / فرصتی نیست که حرفی به لب آرم در آب (امینه دریانورد)، (ماه‌گیر، ۱۳۹۳: ۲۵۱).

۹. رویکرد اجتماعی

گاهی شاعر عناصر و پدیده‌های بومی را در خدمت مفاهیم اجتماعی می‌گیرد و آن را آینه‌یی برای انعکاس مشکلات مردم منطقه خود قرار می‌دهد:

ردیف ردیف تشتی از اقیانوس / مینشیند به تماشای بازار / برای آرزوهای به حراج گذاشته‌ام / جاشو تور انداخته در آستین شهر / گلوی زن / بوی ماهی آزاد می‌گیرد / موج میزند / حس تلخی در استخوانهایش / خلیج جور دیگر / لنگر می‌اندازد / در ستون فقرات پدرم... (فدوی، ۱۳۹۳: ۴۸).

نتیجه‌گیری

با بررسی و تأمل در آثار شاعران هرمزگان، به این نتیجه می‌رسیم که آنها نقش بسزایی در انعکاس نام خلیج فارس و حفظ ارزشهای ملی منطقه‌یی داشته‌اند، و وجدان بیدار عصر خویش بوده و هستند. آنها با استفاده از عناصر بومی این منطقه در بیان وطن دوستی و غرور ملی، حرکتی خودجوش و هشیارانه در دفاع از میهن عزیزمان است، حقانیت این نام کهن را ضروری دانسته و به هویت ملی ایران رونق بخشیده‌اند.

نگرش شاعران به این مؤلفه بومی ملی با رویکردهای مختلف حس وطن دوستی، عزت و شکوه خلیج فارس، دفاع از مرز و بوم، غرور ملی در حفظ میهن و مبارزه علیه استبداد و استعمار، اعتراض و انتقاد، اشاره به اماکن و شخصیت‌های تاریخی، دفاع مقدس، رویکرد عاشقانه و اجتماعی رونمایی میشود.